

### چکیده

خلأ نقد آثار ادبی به صورت کاربردی در کتب دوره دبیرستان محسوس است و درس ادبیات اختصاصی یک پیش‌دانشگاهی فقط به تئوری‌های نقد ادبی بسنده کرده است. از این رو، نویسنده این سطور بر آن شده است که یک درس از فارسی عمومی پیش‌دانشگاهی را مورد نقد و بررسی قرار دهد. «داستان آخرین درس» از آلفونس دوده ترجمه عبدالحسین زرین کوب است که عناصر داستانی آن در این مقاله تحلیل شده است.

### کلیدواژه‌ها:

داستان کوتاه، عناصر داستان، آلفونس دوده، نقد ادبی.

# نقد و بررسی داستان آخرین درس آلفونس دوده

## مقدمه

آلفونس دوده Alphonse Doudet، داستان‌نویس فرانسوی (۱۸۹۷-۱۸۴۰) در خانواده‌ای مرفه در شهر نیم در منطقه ژروانز زاده شد و دوره کودکی پرنشاط و پرتحرکش را در جنوب فرانسه گذراند. او بسیار زودرنج و حساس بود و در دبیرستان شهر لیون با همه بی‌نظمی‌ای که داشت، شاگردی ممتاز به شمار می‌آمد. آلفونس از هفده سالگی و به دنبال ورشکستگی پدر ناچار شد به تدریس بپردازد.

پس از دو سال که از شغل خود ملول شد، به کمک برادرش در سال ۱۸۵۷ به پاریس رفت و به فکر نویسندگی افتاد. او در هیجده سالگی با انتشار دیوان زنان دلداه *Les Amour Uses* چنان توفیقی به دست آورد که ستون ادبی روزنامه‌ها در اختیارش گذارده شد و بدین ترتیب، وضع مالی‌اش سر و سامانی یافت. آلفونس آن‌گاه به تئاتر روی آورد و سه نمایشنامه کوچک نوشت: آخرین معبود *La Dernier Idole* (۱۸۶۲)، غایبان از نظر *Les absents* (۱۸۶۳)، و میخک سفید *L'Oellet blanc* (۱۸۶۴).

این نمایشنامه‌ها چندان موفقیتی به دست نیاوردند، اما دوده به نوشتن اثر دیگری پرداخت که او را به شهرتی روزافزون رساند. مجموعه نامه‌هایی از آسیای من (*Moulin Letters de mon* - ۱۸۶۶) شامل داستان‌هایی است که از زندگی دوده در جنوب فرانسه اقتباس شده‌اند. او در این داستان‌ها با لحنی آمیخته با شوخ‌طبعی و نثری روان و دلنشین و کم‌نظیر، زندگی مردم منطقه پروانس و زادگاه خود را وصف کرده است.

## تحلیل داستان آخرین درس

داستان آخرین درس از مجموعه داستان‌های آلفونس دوده با عنوان «قصه‌های دوشنبه» انتخاب شده است. درون‌مایه این داستان، احساسات میهن‌دوستانه است که به شکلی زیبا از زبان یک کودک دبستانی بیان شده است. راوی این قصه غم‌انگیز کودکی فرانسوی از اهالی ایالت آلزاس است؛ زمانی که (سال ۱۸۷۰ میلادی) آلمان‌ها این ایالت را به تصرف درآورده و جزو خاک خود کرده‌اند و در نتیجه، تدریس زبان فرانسوی در آنجا قذغن است.<sup>۱</sup>

## طرح داستان

پیوستگی منظم اعمال و حوادث داستان که مبتنی بر رابطه علی و معلولی است، «طرح» یا «هسته» داستان نام دارد. هسته به سلسله حوادث داستان وحدت هنری می‌بخشد و آن را از آشفتگی می‌رهاند. طرح داستان آخرین درس، ممنوع شدن درس زبان ملی در مدرسه است که نویسنده از زبان کودک این مهم را به گونه‌ای برجسته بیان می‌کند. دیر کردن دانش‌آموز طبق معمول، اعلامیه روی دیوار، شروع شدن درس توسط معلم، عکس‌العمل غیرعادی معلم نسبت به دانش‌آموز بی‌نظم که دیر کرده است، حضور کدخدا و افراد مهم دهکده در کلاس، پرسش و پاسخ معلم با دانش‌آموز، ارتباط دادن مباحث به بحث اصلی یعنی حفظ زبان ملی که پیام درون‌مایه داستان نیز هست. صدای شیپور سربازان دشمن که از تمرین و مشق برمی‌گردند و سرانجام بغض معلم و سخنان پایانی او مجموعه حوادث این داستان است که پیوستگی منظمی با هم دارند.

## شخصیت‌های داستان

از آن‌جا که نویسنده در داستان کوتاه برخلاف رمان و داستان بلند نمی‌تواند مدتی طولانی را به پردازش دوران زندگی حتی یک شخصیت اختصاص دهد، تلاش می‌کند چگونگی رفتار و عکس‌العمل یک یا چند شخصیت را در موقعیت خاص یا هنگام رویارویی با اتفاقی خاص نشان دهد. بنابراین، او احساسات و عواطف و اهداف و اغراض خود را از زبان شخصیت‌های داستان بیان می‌کند. نویسنده اغلب به دو شیوه شخصیت‌پردازی می‌کند:

۱. با انتخاب زاویه دید

۲. با گفت‌وگونیسی

زاویه دید که در رمان ممکن است در خلال فصل‌ها تغییر کند، در داستان کوتاه اغلب ثابت می‌ماند و این همان نحوه انتخاب راوی داستان است که نویسنده از طریق او داستان را بازگو و روایت می‌کند. راوی به سه گروه اصلی تقسیم می‌شود:

۱. اول شخص،

۲. سوم شخص،

۳. راوی داستان از خلال نامه یا دفتر خاطرات

داستان آخرین درس از زاویه دید کودکی دبستانی بیان می‌شود و راوی خود او، یعنی اول شخص است. در این داستان «کودک دبستانی» مشاهدات و دانسته‌های خود و اعمال و رفتار تمامی شخصیت‌ها را زیر ذره‌بین قرار می‌دهد و سعی دارد بین خواننده و شخصیت‌ها نزدیکی و صمیمیت ایجاد کند؛ به طوری که در پایان داستان نسبت به شخصیت‌های دیگر داستان، چون معلم، کدخدا و مخاطب، احساس واقع‌بینی و صمیمیت به وجود می‌آید.

«شخصیت یا قهرمان داستانی کسی است که با اعمال یا گفتار خود داستان را به وجود می‌آورد. به آنچه می‌کنند، آکسیون یا عمل (Action) و به آنچه «می‌گویند» دیالوگ یا گفتار گفته می‌شود. به زمینه عواملی که باعث گفتار یا اعمال قهرمانان داستان می‌شود، انگیزه (Motivation) می‌گویند»<sup>۲</sup>.

۱. قهرمان اول داستان کوتاه آخرین درس، راوی یا کودک دبستانی است که داستان از زبان او نقل می‌شود. کودک بی‌نظم و مدرسه‌گریزی که تفریح در طبیعت و مشغول شدن به جلوه‌های زیبای آن را بر مدرسه و درس ترجیح می‌دهد اما همین شخصیت بر اثر یک حادثه مهم ملی به‌طور ناگهانی تغییر و تحول می‌یابد؛ به طوری که در آخر داستان این تحول به صورت ملموس مشاهده می‌شود. پشیمانی کودک از سهل‌انگاری خود و توجه عمیق او به کلاس و درس و مطالب معلم در لحظات آخر درس بیانگر تحول شخصیتی اوست.

۲. شخصیت دوم داستان، یعنی معلم، نیز از تحول برکنار نمانده است. او که چهل سال زندگی خود را در مدرسه گذرانده و با تعلیم و تربیت سنتی با همان چوب رعب‌انگیز دچار روزمرگی شده است، اکنون خود را در خور ملامت می‌داند که در تعلیم و تربیت که وظیفه اصلی او بوده کوتاهی کرده است و آن گونه که بایسته و شایسته است، اهتمام نورزیده است. چه بسا لحظات با ارزش دانش‌آموزان را با به خدمت گرفتن آن‌ها جهت انجام دادن کارهای شخصی‌اش به هدر داده و یا به دنبال گشت و گذار و تفریح خود بوده و از مسئولیت خطیر خویش شانه خالی کرده است. او اکنون با تمام وجود می‌خواهد همه معرفت خود را در کمترین زمان به دانش‌آموزان انتقال دهد. او که از ظلم دشمن در حق مردم بیشتر از همه واقف است، متأسف‌تر از همه سعی در آگاه کردن عموم مردم روستا دارد.

معلم خوب می‌داند که رخنه فرهنگی دشمن زبان‌بارتر از تجاوز مادی است. پس با نوشتن جمله «زنده‌باد میهن» سعی در برانگیختن حس میهن‌دوستی به شکلی زیبا دارد. آخرین جمله داستان نیز تأسف و تأثر عمیق معلم را که هنگام بیان این جمله سرش را به دیوار تکیه داده است، نشان می‌دهد.

۳. شخصیت سوم داستان کدخدا و به موازات او، مردان سالخورده دهکده هستند که برای قوت قلب دادن به معلم

و دست‌میرزااد گفتن به او آخرین جلسه درس را در کلاس همراه دانش‌آموزان حاضر می‌شوند و حتی با آن‌ها درس را با صدای بلند تکرار می‌کنند. اینان مردان فرهنگ‌دوست اما ساده‌روستایی هستند که به حوادث سیاسی-اجتماعی اطراف خود توجه دارند و اینک عرق ملی شدن آن‌ها را به مدرسه کشانده است. آن‌ها نیز از تغییر و تحول شخصیتی برکنار نیستند؛ چهره‌هایشان گواه تأسف درونی آن‌هاست از این که پیش از این حتی برای لحظه‌ای چند هم به مدرسه روستا نیامده بودند.

### پیام یا درون‌مایه داستان

نویسنده هدفمند روح حاکم بر قلم و درون‌مایه داستان را در یک جمله متبلور می‌کند و اوج داستان را در همین یک جمله به خواننده تحویل می‌دهد. تمام تأثر تکان‌دهنده داستان هم از همان جمله ناشی می‌شود و خواننده درمی‌یابد که آن چه پیش از این یک جمله خواننده، برای رسیدن به همین نقطه بوده است. درون‌مایه داستان آخرین درس که فکر اصلی نویسنده آن، آلفونس دوده، را نشان می‌دهد «حس میهن‌دوستی» است. این پیام را می‌توان از اعمال و رفتار شخصیت‌های داستان (شخصیت دانش‌آموز و معلم) دریافت. البته به جز پیام اصلی که روح آن بر کل اثر احاطه دارد، پیام‌های فرعی دیگری نیز از داستان دریافت می‌شود که بعضی از آن‌ها بدین قرارند:

۱. حمله آگاهانه دشمن به فرهنگ و اندیشه یک ملت؛ زبان به عنوان عامل اتحاد ملت‌ها از این تجاوز و تهاجم مصون نمانده است.
۲. حاکم بودن تعلیم و تربیت سنتی در مدرسه و وجود تنبیه‌بدنی
۳. دور نبودن دهکده از تیررس حوادث سیاسی و اجتماعی
۴. آگاهی سیاسی دانش‌آموز (با خود اندیشیدم باز برای ما چه خوابی دیده‌اند).
۵. مسامحه معلم در اوقات مدرسه و هدر دادن وقت به خاطر مشغول شدن به کارهای شخصی
۶. مدرسه‌گریزی دانش‌آموز و ترجیح دادن تفریح و گشت و گذار در طبیعت را بر درس و مدرسه
۷. حمله آلمانی‌ها به ایالت آلزاس فرانسه و ظلم آشکار آن‌ها به مردم
۸. تغییر و تحول شخصیت معلم و دانش‌آموز بر اثر یک اتفاق سیاسی
۹. بینش سیاسی مردم ساده و باصفای روستا و حضورشان در کلاس درس. البته در این میان نباید تأثیری‌پذیری عبدالحسین زرین‌کوب از نثر گلستان سعدی در ترجمه داستان را نادیده گرفت. به نظر می‌آید که عبارت «آن‌گاه سر خویش گرفتم و راه مدرسه در پیش»، تقلید آشکار از این عبارت گلستان باشد: «تو سر خویش گیر و راه مجانبت در پیش».

## گفت‌وگو

گفت‌وگوها در پرداخت شخصیت داستانی اهمیت زیادی دارند. اشخاص در داستان با ایجاد ارتباط با یکدیگر نظرها، عواطف، عقاید، جهان‌بینی و تصمیمات خود را به خواننده انتقال می‌دهند. گفت‌وگوهایی که حاوی لحن و لهجه‌اند و پس زمینه فرهنگی قومی، اجتماعی و طبقاتی اشخاص را برملا می‌کنند.

دکارت، مارکس و فروید به ترتیب، فکر کردن، تغییر دادن و خواب دیدن را عامل موجودیت خود می‌دانند اما حرف زدن هم به تنهایی می‌تواند عامل موجودیت باشد. البته نه هر حرف زدن؛ حرف زدن که به کشف درون منجر شود. در این صورت است که زبان منزلگاه حقیقت وجود یا به قول فیلسوفان، مترادف با تفکر و اندیشه خواهد بود.

ادبیات نیز به مثابه هنرمندانه‌ترین عرصه‌بازنمایی برای کشف درون نهفته است و جودهای حقیقی خواه‌ناخواه به سمت گفت‌وگو پیش می‌رود بیهوده نیست اگر بپنداریم امروزه صدای آدم‌ها از قیافه‌هایشان مهم‌تر است. گفت‌وگو در ادبیات و از جمله داستان کوتاه وزن بیشتری پیدا کرده و به موازات عناصر دیگر داستان - یعنی فضا سازی و شخصیت‌پردازی - از الزامات کلیت ساختار داستان است.

هر چند وزن گفت‌وگو را طرح داستان و مایه و فرایند کلی تعیین می‌کند،<sup>۲</sup> معمولاً شخصیت‌های داستان برای این حرف می‌زنند که نویسنده حرف بزند.

در این داستان سخن معلم بیانگر اندیشه‌های نویسنده است.

«معلم را دیدم که بر کرسی خویش نشست و سپس با همان صدای گرم اما سخت که هنگام ورود با من سخن گفته بود، گفت: فرزندم، این بار آخر است که من به شما درس می‌دهم. دشمنان حکم کرده‌اند که در مدارس این نواحی، زبانی جز زبان خود آن‌ها تدریس نشود...»

از شما خواهش دارم که به درس من درست دقت کنید.»

تصویری که نویسنده از معلم در آخرین بند داستان ارائه می‌دهد، در قالب گفت‌وگوی بی‌کلامی است که لحنی غم‌انگیز و تأثیرگذار دارد. آن‌گاه همان‌جا ایستاد: سر را بر دیوار تکیه داد و بدون آنکه دیگر سخن بگوید، با دست اشاره کرد: «تمام شد، بروید؛ خدانگهدار تان باد.» به نظر می‌آید پشت این کلام بی‌صدا به‌جز خداحافظی صوری، خداحافظی دیگری نهفته است که با پیام و درون‌مایه داستان ارتباط دارد. گویی معلم می‌خواهد بگوید آزادی فرهنگی تمام شد و از این پس مستعمره فرهنگی هستیم و فرهنگ دشمن ما را مسخ خواهد کرد.

## نتیجه

ادبیات داستانی در ادبیات جهان سابقه‌ای کهن دارد. عموماً داستان اثری است روایی به نثر که مبتنی بر جهل و خیال است و داستان کوتاه - که در انگلیسی شورت استوری (Short story) و در فرانسه نوول (Nouvel) نامیده می‌شود - روایتی است منشور که چندان بلند نیست. برخی از محققان سابقه داستان کوتاه را به قرن ۱۴ میلادی می‌رسانند اما داستان کوتاه به معنی امروزی آن در قرن ۱۹ شکل گرفته است. در بررسی اجمالی کتب دبیرستان، با داستان‌های بلند و کوتاه کلاسیک و امروزی مواجه می‌شویم.

یکی از این داستان‌های کوتاه داستان «آخرین درس» آلفونس دوده با ترجمه عبدالحسین زرین کوب است. مطالعه آثار ادبی جهان ما را با اندیشه و احساس دیگر ملت‌ها آشنا می‌کند و آشنایی با شخصیت‌های آثار نویسندگان بزرگ سبب گسترش احساس و اندیشه‌های ما می‌شود. در این مقاله سعی شده است به تحلیل و بررسی بیشتر این داستان و به موازات آن به تحلیل پیکره و ساختار آن، یعنی طرح درون‌مایه، زاویه دید، لحن و گفت‌وگو پرداخته شود. آلفونس دوده از نویسندگان بزرگ فرانسوی است که بعضی از کتاب‌هایش به فارسی برگردانده شده‌اند. قصه‌های دوشنبه یکی از کتاب‌های اوست که عبدالحسین زرین کوب آن را به فارسی ترجمه کرده است. نویسنده در این داستان کوشیده است احساسات میهن‌پرستانه را از زبان یک کودک دبستانی بیان کند.

## پی‌نوشت

۱. جمال‌زاده، سیدمحمدعلی؛ قصه‌نویسی، به کوشش علی دهبانی، چاپ اول، نشر شهاب، ۱۳۸۷، صفحه ۱۱۴.
۲. شمیسا، سیروس؛ انواع ادبی، چاپ دهم، انتشارات فردوسی، ص ۱۷۹.
۳. بی‌نیاز، فتح‌الله؛ ادبیات قصری در تار و پود تنهایی، جلد اول، انتشارات قصیده‌سرا، ۱۳۸۳، ص ۲۵.

## منابع

۱. بی‌نیاز، فتح‌الله؛ ادبیات: قصری در تار و پود تنهایی، انتشارات قصیده‌سرا، ۱۳۸۳.
۲. شمیسا، سیروس؛ انواع ادبی، چاپ دهم، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۳.
۳. زرشناس، شهریار؛ جستارهایی در ادبیات داستانی معاصر، چاپ اول، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۷.
۴. زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، دفتر تألیف کتب درسی، نشر کتاب‌های درسی، ۱۳۸۷.
۵. سیدحسینی، رضا؛ مکتب‌های ادبی، چاپ چهاردهم، انتشارات نگاه، ۱۳۸۵.